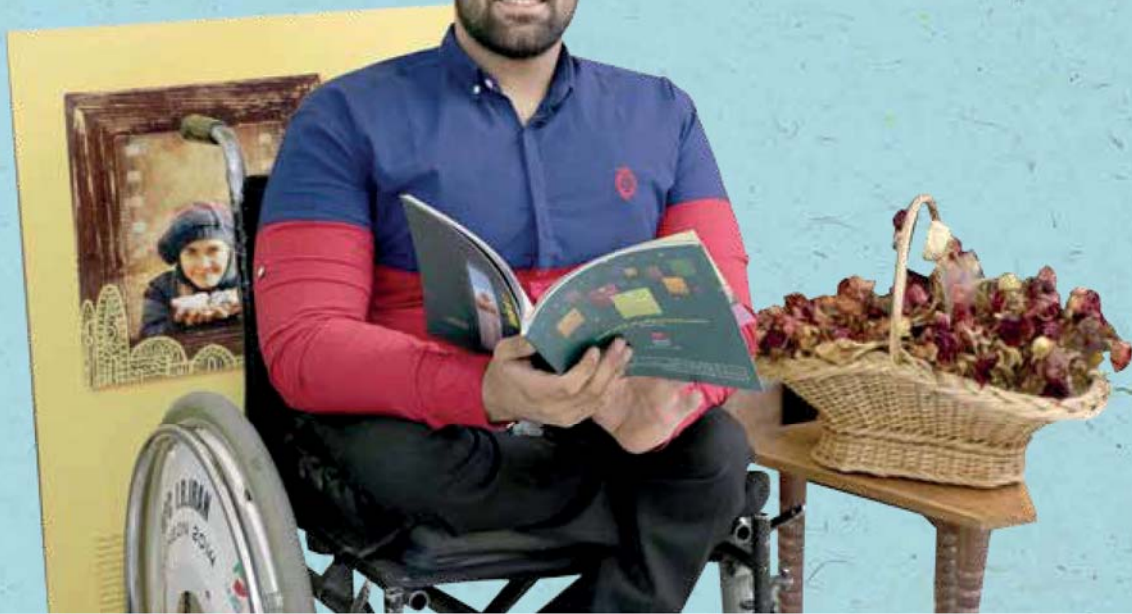


گفتگوی ویژه پاییز؛
به مناسبت روز جهانی معلولین



قهرمان جهان شدن

گی با امیر سجّاد یوسفی زاده؛ قهرمان جهان در رشته‌های شنا و وزنه برداری

این موفقیت‌ها از کجا شروع شد؟

«هر اتفاق خوبی معمولاً ریشه در کودکی دارد؛ اگر چه معلولیت من مادرزادی بود اما تقریباً از چهارده سالگی به صورت فعال وارد اجتماع شدم. از همان سالها فعالیت‌های هنری هم داشتم و در زمینه‌ی نقاشی، موسیقی و آواز کار کرده‌ام. اما خب بیشتر وقتم را تمرین‌های ورزشی می‌گیرم. باین همه، در زمینه‌ی تحصیل هم در رشته‌ی زبان انگلیسی در حال تحصیل هستم و سعی کرده‌ام تک‌بعدی پیش نروم و به تمام جنبه‌های اجتماعی خودم توجه کنم.»

عبور از معلولیت و پذیرش مشکلات جسمی از عوامل

موفقیت شماست، این چگونه اتفاق افتاد؟

«راستش به نظر من یکی از مهمترین عوامل، خانواده است. من از همان اول از طرف خانواده رفتار درستی دریافت کرده‌ام. مرا از بقیه بچه‌ها جدا نکرده‌اند و حتی از کلاس اول دبستان در مدارس معمولی درس خوانده‌ام. اتفاقاً همان سال شروع این اتفاق خوب بود که بچه‌های معلول می‌توانستند در مدارس عادی درس بخوانند ولی تا قبل از آن باید به مدارس استثنایی می‌رفتند.»

بگذارید به این خاطره اشاره کنم که؛ زنگ‌های ورزش من هم با بچه‌های عادی و سالم کلاس بازی می‌کردم. زنگ ورزش فوتبال بازی می‌کردیم و مادرم می‌آمد یک فرش کوچک جلوی دروازه پهن می‌کرد، من روی آن

داشتن برادری خوب و مهربان آرزوی هر دختری است. برادری قوی و پهلوان که بشود به او تکیه کرد. دختران همدم روزی که امیر سجّاد به دیدنشان آمد به آرزویشان رسیدند.

او با صبوری و مهربانی به تک‌تک بخش‌ها سرزد و همدم بچه‌ها شد. در پایان باز دید دقایقی نشستیم تا بیشتر با او و موفقیت‌هایش آشنا شویم؛

در شنا؛ قهرمانی و نایب قهرمانی در مسابقات شنای کشور سال ۸۸- قهرمانی جوانان جهان در رشته کراول پشت و اولین مدال کاروان ایران در جمهوری چک سال ۸۹- نایب قهرمانی در لیگ شنای کشور سال ۸۹- مقام سوم لیگ شنا در ماده پروانه سال ۹۰ و...

در وزنه برداری؛ قهرمانی استان در سالهای ۹۱، ۹۲، ۹۳ و ۹۴- مدال طلای جوانان و برنز بزرگسالان در مسابقات قهرمانی کشور در دسته‌ی ۶۵ کیلوگرم سال ۹۲- مدال طلای مسابقات جام جهانی وزنه برداری در دسته‌ی ۶۵ کیلوگرم در امارات و ۱۷ کیلوگرم جابجایی و بالابردن رکورد جهان- مدال طلای مسابقات المپیاد ورزشهای معلولین در سال ۹۴ را در آلبوم افتخاراتش به یادگار داشته و همچنان در این مسیر با پشتکار و اراده پیش می‌رود.



❖ غیر از افتخار آفرینی های ورزشی، خودتان برای افراد معلول قدمی برداشته اید؟

«...راستش من با همین واژه‌ی «معلول» خیلی مشکل دارم و اصلا حاضر نیستم آن را بپذیرم. حتما می‌شود کلماتی بهتری پیدا کرد مثل «توان‌یاب» یا هر عبارتی که انرژی مثبت بیشتری داشته باشد و در آن اول توانایی فرد دیده شود بعد مشکلات جسمی‌اش. اتفاقا زیاد کار کرده‌ام؛ همین چندوقت پیش گروهی راه انداخته بودیم با دوستان و در یک مجموعه برای استعدادیابی افراد معلول در زمینه های مختلف فعالیت می‌کردیم. حتی کمپینی به نام «اتحاد» درست کردیم که البته ثبت نشده است و در همین جاز مسئولین بهزیستی بازم تقاضا دارم برای ثبت این کمپین و دادن مجوزهای لازم با ما همکاری کنند. یک سری از دوستان معلول را پیدا کردیم که خیلی با استعداد هستند، از جمله دوستی که قهرمان کشتی بود و دچار ضایع نخاعی و معلول شده بود و دیگر کسی به ایشان سرزده بود. می‌دانید باید از یک جایی شروع بشود؛ من خودم به سهم خودم تلاش‌هایی دارم ولی زمانی نتیجه می‌دهد که همه سهم خودشان را ادا کنند و از همراهی همگانی برخوردار شویم چرا که اگر فرد معلول با استعدادی شناسایی و پرورش داده شود ولی بعد حمایت و جذب نشود همه‌ی تلاش‌ها بی نتیجه خواهد بود...»

❖ از اینکه با همدم آشنا شدید چه حسی دارید؟

«من به موسسات دیگر قبلا رفته‌ام ولی از اینکه با اینجا آشنا شدم خیلی خوشحالم و حال خوبی دارم. خدا و کیلی امروز در کنار این بچه‌ها خیلی انرژی مثبت گرفتم. چند هفته دیگر مسابقات داریم و من با اینکه انرژی داشتم ولی حالا با انرژی خیلی بیشتری ان‌شالله برای مسابقات خواهم رفت و این را از بودن در کنار این بچه‌ها دارم. معمولا قبل از رفتن روی سکو و زدن وزنه سعی می‌کنم به چیزهای خوبی که در ذهن دارم و به من انرژی می‌دهد فکر کنم و مسلما این بار حس خوب همدم هم در ذهنم خواهد بود. یک مدال مسابقات و یکی از پیراهن‌های ملی که در مسابقات جهانی به تن داشته‌ام را هم کنار می‌گذارم تا به دختران همدم هدیه کنم. ممنونم از این لحظات قشنگ که در اینجا سپری کردم و امیدوارم که در صحنه‌های ورزشی جبران کنم.»

ماهم برای این قهرمان ارزشمند و همه‌ی عزیزانی که سعی در افتخار آفرینی برای میهن عزیزمان دارند آرزوی موفقیت داریم و دعای خیر دختران همدم را بدرقه‌ی راهشان می‌کنیم.

می‌نشستم و دروازه‌بانی می‌کردم. همه‌ی اینها باعث شد که من از همان کودکی با معلولیتم کنار بیایم و رفیق بشوم. چون اگر غیر از این بود و من گوشه‌گیر می‌شدم، ذهنم پر از سوال‌های بی‌پرده‌ای مثل اینکه چرا اینجوری شدم؟ «و... می‌شد زمان را از دست می‌دادم و اصلا نمی‌توانستم در مسیر درستی پیش بروم.»

❖ پس، به نظر شما، خانواده سهم زیادی در موفقیت افراد معلول دارد؟

«بله دقیقا. در مورد خود من، اولین عامل موفقیتم خانواده بوده است. شاید اگر خانواده‌ای داشتم که جور دیگری با من رفتار می‌کردند و مرا پنهان می‌کردند، به هیچکدام از موفقیت‌های امروز نمی‌رسیدم و به جای فردی مستقل، وابسته و سرخورده بار می‌آمدم. من از هفت سالگی به اصرار مادرم کلاس نقاشی را شروع کردم، آن هم در محیطی که اول مرا نمی‌پذیرفتند! در مورد ورزش هم همینطور. از همان اول حمایت و همراهی پدر و مادرم وجود داشت و با اینکه من اولین فرزندشان بودم و حتما روبرو شدن با معلولیت جسمی من برایشان سخت بوده است، ولی مرا تنها نگذاشتند و این خیلی برایم ارزش دارد و ممنونشان هستم.»

❖ شما از دواج کرده اید؟

لبخندی به صورت قهرمان می‌نشیند و برقی به چشمانش؛ «هنوز نه... ولی مقدماتش دارد فراهم می‌شود، ان شاءالله.»

❖ حالا که قهرمان جهان هستید نگاهتان به زندگی تغییر کرده است؟

«صدر صد. با چنین موفقیتی، دید آدم خیلی بازتر می‌شود. حالا کامل تر و جامع تر به اتفاقات زندگی نگاه می‌کنم. شاید تا قبل از قهرمانی فکر می‌کردم اگر به موفقیت برسم، این پایان و آخر است ولی حالا می‌فهمم که تازه اول راه هستم و هنوز چیزهای زیادی هست که باید به دست بیاورم و یاد بگیرم.»

❖ روز جهانی معلولین از نظر شما؟

«در مورد روز جهانی معلولین راستش حرف زیاد دارم! انگار فقط یک اسم شده است، یک روز در تقویم می‌آید و تبریکی می‌گویند و می‌رود پی کارش ولی درست به آن پرداخته نمی‌شود تا به نحو احسن برای افراد معلول تمرینش باشد.»

به نظرم درستش این است که بیایند مشکل یابی کنند و همه پرسه بین افراد معلول بگذارند و مشکلات و کمبودهایشان را در زندگی فردی و اجتماعی بررسی کنند و به راه‌حل‌هایی برسند. من خودم از وقتی قهرمان شده‌ام خیلی بیشتر با سازمان‌ها درگیر و در ارتباط هستم، برای گرفتن امکانات بیشتر برای خودم و شهرم. ولی موفق نشده‌ام. امیدوارم در تمام سال مسئولین به فکر معلولین باشند و فقط یک روز برای تبریک و گرمای داشت نباشد.»